

10335-64
Ch-3

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

دیوان داورى دعوى ایران - ایالات متحده

بنام خدا

پرونده شماره ۱۰۳۳۵

شعبه سه

حکم شماره ۳-۱۰۳۳۵-۲۳۳

دولت ایالات متحده آمریکا

بنمایندگی و منفعت

تئودور لاث ،

خواهان ،

- و -

جمهوری اسلامی ایران ،

خواننده .

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه داورى دعوى ایران-ایالات متحده	
ثبت شد - FILED		
Date	20 MAY 1986	تاریخ
	۱۳۶۵ / ۲ / ۲۰	
No.	10335	شماره

نظر جداگانگی قاضی پرویز انصاری

با احترام نظرات خود را درباره نکات اساسی که در رأی صادر شده مبنای مخالفت و یا موافقت اینجانب است بیان می دارم:

۱ - همانگونه که در ذیل رأی مبتنی بر شرایط مرضی الطرفین شماره ۲-۱۰۱۷۳-۲۲۹ مرقوم داشته ام، دادگاه نباید عنوان طرفین دعوی را تغییر دهد، بلکه ملزم است از آنچه که طرفین دعوی برلوايح خود ثبت کرده اند تبعیت کند، در پرونده حاضر عنوان خواهان بنحویکه در دادخواست او ثبت شده است عبارتست از "دولت ایالات متحده آمریکا بنمایندگی و منفعت تئودور لاث".

۲ - آقای تئودور لاث طی نامه مورخ ۱۸ فوریه ۱۹۷۹ مراتب استعفاء خود را کتبا " به صنایع هواپیمائی ایران تسلیم و متعاقبا " ایران را ترک نموده است . آشکار است که از تاریخ مذکور وضعیت استخدامی وی ، وضعیت کارمند مستعفی بوده است . خواننده نیز با کمال حسن نیت نسبت به پرداخت کلیه هزینه ها و حقوق و مزایایی که به کارمند مستعفی تعلق می گرفتند اقدام کرده است (دستور پرداخت مورخ ۷ مارس ۱۹۷۹) .

نامه مورخ ۲۰ فوریه ۱۹۷۹ مشارالیه که بعد از تاریخ استعفاء تسلیم خواننده شده است نمی توانسته وضعیت او (وضعیت کارمند مستعفی) را تغییر دهد . بلکه در واقع عجیب می بود اگر خواننده نامه بعدی را می پذیرفت و بر اساس آن عمل می نمود .

۳ - مدرک ارائه شده از طرف خواننده (دستور پرداخت مورخ ۳۰ دیماسه ۱۳۵۷ و لیست ضمیمه آن به بانک سپه دایر بر پرداخت حقوق کارمندان و از جمله مبلغ ۷۵۱۷۲ ریال به آقای لاث) مورد تردید و انکار قرار نگرفته است . هیچگونه دلیل و حتی ادعائی در خصوص استنکاف بانک سپه از اجرای دستور فوق در محضر دادگاه عنوان نشده است . لذا بنظر اینجانب هیچ مبنای حقوقی وجود ندارد که دادگاه را از پذیرش این مدرک معذور دارد . در حقیقت ، استنتاج دادگاه مبتنی بر آنکه " ... دلیل کافی برای آنکه دیوان را متعاقد سازد که بانک سپه آن دستورها را اجراء کرده ، وجود ندارد . " (بند ۲۵ رأی) معکوس کردن یکا ماره حقوقی است .

۴ - دادگاه ادعای خواهان را که اعلام نموده است از تاریخ ۲۲ نوامبر ۱۹۷۸ آقای لاث تأهل اختیار نموده است پذیرفت و بپرداخت حقوق و مزایای متعلق به کارمند متأهل در حق خواهان حکم نمود . با توجه به اینکه :

الف - طبق مندرجات قرارداد هرگونه تغییر در مفاد قرارداد استخدامی فقط با توافق طرفین امکان پذیر بوده است ،

ب - آقای لاث مراتب تأهل خود را برای اولین بار در تاریخ ۲۰ آوریل

۱۹۷۹ یعنی دوز بعد از تاریخ استعفاء به خواننده اعلام نموده

است ،

لذا تصمیم دادگاه تحمیل وضع جدیدی بر خواننده است بدون آنکه راضی و یا حتی مطلع از آن بوده باشد. درحقیقت ، آقای لاث نمی تواند بدون موافقت و رضایت کارفرما وضعیت جدید خود را که آثار مالی نیز دارد بر او تحمیل کند .

۵ - طبق قرارداد حتی بفرض فسخ قرارداد از طرف خواننده ، کارمند ذیحق به دریافت سی روز حقوق متعلقه بعنوان هزینه ختم قرارداد می باشد . اقدام دادگاه در محاسبه و افزودن مرخصی استعلاجی و مرخصی استحقاقی متناسب مدت یکماه ، غیرعادی و در تضاد با مفاد صریح قرارداد است ، طبق قرارداد هزینه فسخ بطور مقطوع معادل سی روز حقوق کارمند تعیین شده است نه بیش از آن .


۶ - در خصوص بهره نیز با توجه به مقدمات فوق روشن است که خواننده حتی در صورت تمایل ، مجوزی برای پرداخت مبالغ مورد مطالبه در دادخواست خواهان نداشته است . بنظر اینجانب حتی در صورت قبول کلیه مفروضات رأی اکثریت ، با توجه به اینکه تقصیری در عدم پرداخت متوجه خواننده نبوده است و دادگاه هم به این نتیجه رسیده که تخلفی از ناحیه خواننده صورت نگرفته است و تأخیر در پرداخت نیز معلول اتفاقاتی خارج از کنترل خواننده می باشد و خواننده آنچه را که طبق مقررات امکان پذیر بوده است در اولین فرصت ممکن به خواهان پرداخت کرده است ، لذا محکومیت خواننده به پرداخت بهره عادلانه بنظر نمی رسد ؛ زیرا منطقا " نمی توان کسی را بعلت تأخیر در انجام تعهدی که اولاً " بشکل صحیح مطالبه نشده و ثانیاً " انجام آن نیسز خارج از اقتدار متعهد بوده است بپرداخت خسارت محکوم کرد .

۷ - درباره فوق العاده خطر و هزینه های دآوری ، دادگاه بدرستی از صدور حکم

برچنین پرداخت‌هایی خودداری کرده‌است :

الف - درمورد فوق‌العاده خطر نه مفاد قرارداد در جهت تأیید آن است و نه آنکه دلیلی بر وجود چنین فوق‌العاده‌ای وجود دارد.

ب - درمورد هزینه‌های داوری نیز مخصوصاً " در دعاوی کمتـــــرا از ۲۵۰،۰۰۰ دلار، دیوان بدرستی چنین هزینه‌های را مورد حکم قرار نداده‌است . رجوع کنید : ا.چ.ا . اسپال‌دینگ اینکورپوریتـــــد و وزارت راه و ترابری جمهوری اسلامی ایران ، رای شماره ۳-۴۳۷-۲۱۲ ، نظر موافق پرویز انصاری.


پرویز انصاری